

پول توجیبی یا ته جیبی

سکه‌های خدا

از امام باقر (علیه‌السلام) - به روایت امام جعفر صادق (علیه‌السلام) نقل است: «از پدرم دربارهٔ سکه‌های دینار و درهم (پول) و وظیفهٔ مردمان دربارهٔ آنها پرسیدند. فرمود: این‌ها سکه‌های خدا هستند در زمین. خداوند آن‌ها را مایهٔ سامان‌یابی زندگی خلق (و گذران امور آنان) قرار داده است. به‌وسیلهٔ آنهاست که کارهای مردمان روبه‌راه و نیازهای آنان برآورده می‌شود.»



قصه قلک من

کتاب «قصهٔ قلک من»، اثر سیدمجتبی فنائی به بهای ۱۵ هزار ریال از سوی «انتشارات سازمان بورس اوراق بهادار» شرکت اطلاع‌رسانی و خدمات بورس تهران منتشر و راهی بازار نشر شده است این کتاب در قالب اشعاری کوتاه و قابل فهم تنظیم شده و از نخستین آثاری است که دربارهٔ بورس و سرمایه‌گذاری برای نوجوانان تهیه و تدوین شده است.



برو کار می‌کن

تابستان همیشه خاطره‌انگیز است؛ نه به خاطر آن‌که از درس و مشق رها شده‌اید، بلکه به خاطر آن‌که در این فصل می‌توانید در کنار پول توجیبی کار هم بکنید و پول دریاورید. اگر کمی به دور و برتان نگاه کنید، شاید بتوانید کار و کاسبی خوبی راه بیندازید. در سال‌های نه‌چندان دور در ایران، والدین فرزندان خود را برای آموختن کار و کسب روانهٔ مراکز تولیدی، صنعتی و خدماتی می‌کردند.

هر چند که در این مراکز نوجوانان و جوانان با فرهنگ خشن کار آشنا می‌شدند، ولی کم‌کم در کنار این نوع تربیت سخت، حرفه یا صنعتی را برای روزهای آینده می‌آموختند تا در صورت ورود به شرایط بازار کار، به راحتی شغلی برای خود برگزینند. گاهی این افراد به تناسب توانمندی خود کارهایی انتخاب می‌کردند که با درآمد آن، در دورهٔ سربازی یا دانشجویی، دیگر نیازی به کمک‌های مالی خانواده نداشتند.

اگر پای صحبت پدران و مادران خود بنشینید از این نوع کارها خیلی سراغ دارند با کمی جست‌وجو شاید متوجه شوید که پدر، عمو و حتی دایی شما چه مشاغلی را برای تأمین آتیه تجربه کرده‌اند. همین تجربیات تلخ و شیرین بوده که آن‌ها را در مقابل طوفان‌های

سهمگین اقتصادی و اجتماعی آبدیده کرده است. برای آبدیده‌شدن باید خطر کنید، البته نه از جنس پلیسی، بلکه خطر در حوزهٔ اقتصادی که خود شیرینی‌هایی هم دربردارد. یک بار کار کردن را تجربه کنید و آن‌گاه ببینید، پول خرج کردن لذت دارد یا پول درآوردن.

زور یا فکر؟

شاید برخی از اشخاص به‌خاطر داشتن بدن قوی و توانایی جسمانی به کارهای بدنی در کارگاه‌های ساختمانی و یا صنعتی بپردازند، اما برخی کار پدی را نمی‌پسندند و بیشتر به کارهای فکری علاقه دارند.

شاید اتفاق افتاده باشد که در مدرسه یا اردو، کار خاصی به شما پیشنهاد دهند که بعد از مدتی آن کار را با وضعیت فکری و جسمانی خود تطبیق دهید. اغلب افراد تمیز و با انضباط دوست دارند کار نظافت اردو و یا شستن ظرف‌های آشپزخانه



پارو کردن پول
 حتماً از دوستان و آشنایان
 خود شنیده‌اید، فلانی حسابی
 پول پارو می‌کند، اما نمی‌دانید
 چگونه پول پارو می‌کند.

این راز ناگفته پول پارو کردن را
 من برای شما می‌گویم. علی‌آقا
 تولید کننده زیره کفش، از

بجگی پینه‌دوزی می‌کرد. بعد رفت سراغ تولید کفش،
 چون می‌دانست اگر کفش خوب تولید کند شاید
 دیگر نیازی به پینه‌دوزی نباشد. همان‌طور که حالا
 می‌بینید، تعداد پینه‌دوزان در جامعه کمتر شده است.
 بعد از آن رسید به این نکته که چرا کفش‌های
 تولیدی او بعد از مدتی از زیر سوراخ می‌شوند. او که
 رویه کفش را به خوبی می‌دوخت تا دیگر لازم نباشد
 پینه‌دوزی دوباره آن را کوک بزند! قصه از این قرار
 بود که تولیدکننده زیره کفش دوست نداشت کارش
 را از دست بدهد. بنابراین زیره کفش بادوام‌تری
 درست نمی‌کرد. علی‌آقا ناچار کار تولید کفش را ول
 کرد و رفت ترکیه تا ساخت زیره کفش را یاد بگیرد.
 او حالا بعد از چند سال تلاش و تجربه برگشته است؛
 البته با سرمایه‌ای از جنس طلا! او راز تولید زیره‌های
 ترکیه را یاد گرفته بود. حالا زیره‌های تولید می‌کرد که
 با رویه چرم ایرانی می‌توانست برتر از جنس خارجی
 باشد.

علی‌آقا پارو نداشت، اما توانست بعد از مدتی با تولید
 زیره‌های کفش، پول پارو کند. چرا که او به عنوان
 کارآفرین صنعت کفش توانسته بود حلقه مفقوده
 اقتصاد را نه در تاریکی شب، بلکه در روشنایی هویت
 ایرانی و تلاش مضاعف بیابد. از جنس علی‌آقا در
 ایران زیاد داریم. قصه او قصه دیرینه‌ای نیست. او
 همین حوالی خانه ما زندگی می‌کند؛ چند قدم آن
 سوتر یا این سوتر. شما هم او را می‌شناسید!



اگر از پدر یا مادرتان بپرسید که چگونه
 مهندس رایانه، معلم و یا کاسب شده‌اند،
 حتماً به شما خواهند گفت که به این
 کار از اول علاقه داشته‌اند؛ به همین
 خاطر به هر دری زده‌اند تا به شغل
 مورد علاقه خود دست یابند. علاقه به
 شغل هیچ‌گاه افراد را رها نمی‌کند. اگر
 در دوران اشتغال به آن دست نیابند،
 مطمئن باشید که در دوران بازنشستگی
 به آن می‌پردازند.

را عهده‌دار شوند و معمولاً این کار را
 با عشق و علاقه انجام می‌دهند. این
 موضوع در بازی‌های گروهی از جمله
 فوتبال و هندبال هم صدق می‌کند. باید
 دید که به کارهای زوری علاقه دارید یا
 فکری. هر چند که اگر ابتدا به کارهای
 زوری بپردازید، بی‌گمان در سال‌های
 بعد به کارهای فکری متمایل خواهید
 شد.

